

گزارش دانشجو آموزش ابتدایی فرهنگیان یزد

عنوان:

**عید نوروز چیست؟+ تاریخچه و آداب رسوم مختلف**

استاد راهنما:

دکتر علیرضا عزیزی

پژوهشگر:

محمد جواد عزیزپناه مهرآبادی

**بهار .................**

**عید نوروز**

بزرگ ترین, قدیمی ترین و منسجم ترین جشن باستانی كه توسط تمام قوم های ایرانی در میان اهالی شهر و روستا و عشایر با هر طبقه اجتماعی برگزار می شود, مراسم جشن عید نوروز است.

بزرگ ترین, قدیمی ترین و منسجم ترین جشن باستانی كه توسط تمام قوم های ایرانی در میان اهالی شهر و روستا و عشایر با هر طبقه اجتماعی برگزار می شود, مراسم جشن عید نوروز است. ایرانی ها، نوروز را در آغاز سال و آغاز گردش طبیعت، جشن می‌گیرند و معتقدند كه سالی دیگر گذشته و بایستی كهنگی‌ها را به سال كهنه واگذاركرد. واژهٔ جشن، از ریشه «یز» (Yaz) به معنی نیایش و پرستش است و جشن نوروز سپاس آغاز سالی نو است. به اعتقاد پارسیان، نوروز اول روز از زمانه و فلك را آغاز گشتن است. اندیشهٔ ایرانی، نوروز را آغاز زندگی می‌داند و شروع هر پدیدهٔ مهمی را بدین روز منسوب می‌دارد. ایرانیان هر آغازی را جشن می‌گیرند و نوروز بزرگ‌ ترین آغاز و بزرگ‌ ترین جشن، با اصیل‌ترین سنت‌ها و مراسم جاودانه است. آغاز ِمراسم باشکوه عید نوروز به زمان پادشاهی جمشید شاه بازمی گردد. گفته می شود او در زمان سلطنت خود در آبادانی ایران و آسایش خاطرِ مردم از هجوم بیگانگان، نقش بسیاری داشت. در نوشته ها آمده روزی جمشید سفری با تخت زرینش به آسمان ( به سوی خورشید ) داشت و پس از بازگشت دین را تجدید و آن روز را نوروز نامید. پس از جمشید, سال به سال بر اهمیت و فراگیری این روز افزوده شد. در زمان هخامنشیان و ساسانیان نوروز به عنوان سنتی فراگیر و بسیار باشکوه چه در دربار شاهان و چه در خانه های مردم عامه ( نه فقط زرتشتیان ) اجرا می شد. اسطوره های گوناگونی در ایران باستان, درباره این جشن ملی آورده شده است كه به برخی از آن ها جهت اطلاع علاقمندان اشاره می شود.

یكی از این افسانه ها, اسطوره زیبای آفرینش است. اورمزد شش پیش نمونه گیتی یعنی نمونه اولیه وآرمانی موجودات را در شش گاه با فاصله های نابرابر و در درازای یک سال می آفریند که به ترتیب عبارتند از: آسمان، آب، زمین، گیاه، چهار پای سودمند ومردم.

به یادبود این آ‏فرینش های شش گانه، سال را به شش قسمت نابرابر تقسیم می کردند و سالگرد این آفرینش ها را به صورت جشن های پنج روزه که در آیین ایران باستان «گاهانبار» نام دارد، برگزار می كردند.

جشن سالگرد آفرینش آسمان از ۱۱ تا ۱۵ اردیبهشت، نخستین گاهانبار است. دومین گاهانبار سالگرد آفرینش آب از ۱۱ تا ۱۵ تیر است. سومین گاهانبار كه سالگرد آفرینش زمین و فصل گردآوری غله است، از ۲۶ تا ۳۰ شهریور برگزار می شد. چهارمین گاهانبار سالگرد آفرینش گیاه و از ۲۶ تا ۳۰ مهر است. پنجمین گاهانبار سالگرد آفرینش چهارپای مفید جشن میان زمستان است و زمانی است كه برای دام انبار زمستانی می شود. آخرین گاهانبار, سالگرد آفرینش انسان است كه در پنج روز آخر سال, یعنی پنج روز كبیسه برگزار می شود. سالگرد این پنج روز پایانی سال كه دوازده ماه سی روزه را در پشت خود دارد، مدخلی بر نوروز است. پس جشن نوروزسالگردی است از آفرینش انسان، عزیزترین موجود آفرینش برای آفریدگار بزرگ كه آفرینش اهورایی را پاسداری خواهد كرد و رقیبی برای اهریمن و آفریده های دیوی اش خواهد شد.به همین مناسبت، سالگرد آن با شكوه بیش تری برگزار می شود.

اسطوره دیگری نیز آیین های نوروزی را همراهی می كند، یكی از آن ها آیین نیایش به ایزد«رپیتوین» است. «رپیتوین» سرور گرمای نیمروز و ماه های تابستان است و در زمستان، در زیر زمین جای می گیرد و آب های زیرزمینی را گرم نگاه می دارد تا گیاهان و درختان نمیرند و به خصوص ریشه های درختان را در برابر یورش سرمای زمستانی پاس می دارد. بازگشت سالانه او در بهار است كه نمادی از پیروزی نهایی نیكی ها بر بدی ها و بهارها بر زمستان ها است. به همین مناسبت جشنی ویژه و نیایشی كه تقدیم رپیتوین می شد، بخشی از مراسم نوروزی را تشكیل می دهد و از این دید، نوروز نمادی از پیروزی عنصر نیك در نبرد فصل ها است.

نوروز هم چنین نمادی است از سالگرد بیداری طبیعت از خواب زمستانی و مرگی است كه به رستاخیز و زندگی منتهی می شود و به همین مناسبت جشن مربوط به «فروهر»ها نیز بوده است. «فروهر» یا «فروشی» گونه ای از روان است و نوعی همزاد آدمیان كه پیش از آفرینش مردمان در آن جهان به وجود می آید و پس از مرگ مردمان به دنیای دیگر می شتابد و از كیفرهای خاصی كه روان می بیند به دور است. فروهرها سالی یك بار در طلیعه ماه فروردین (= ماه فروهرها) به زمین باز می گردند و هر یك به خانه خود فرود می آیند. آنان از دیدن پاكیزگی و درخشندگی خانه دل خوش می شوند و بر شادكامی خانواده وبر بركت خانه دعا می كنند و اگر خانه را آشفته و درهم، پاك نشده و نا آراسته بینند, غمگین می شوند و دعا نكرده و بركت نخواسته خانه را ترك می كنند. مراسم خانه تكانی از همین جا نشات گرفته است. ایرانیان در آغاز سال نو همه جای خانه را تمیز و پاكیزه می كنند تا فروهرهای درگذشتگان, به خانه آنان بیایند و برای خانواده بركت بیاورند. مردمانی كه بر این باورند، روز نوروز از خانه بیرون نمی روند، چون نمی خواهند كه فروهرها صاحب خانه را در خانه نیابند و ناخشنود شوند. چراغ خانه ها برای این كه راه را بر فروهرها بهتر بنمایانند, دراین شب ها باید روشن باشد.

در آغاز پنج روز آخرین گاهانبار و به روایتی در پایان این پنج روز و درست شب نوروز بزرگ، مراسم آتش افروزی بر بام ها انجام می دادند كه هم راهگشای فروهرها باشد و هم به دورو نزدیك خبر دهند كه سال نو می آید. این آتش افروزی بعد از آمدن اسلام نیز در میان ایرانیان معمول بوده است و چون مراسم به طور رسمی نخستین بار در شب چهارشنبه انجام شد، این رسم در شب چهارشنبه پای برجا ماند و چهارشنبه سوری یكی از جشن های جنبی نوروز شد. به روایتی «سوری» به معنی «سرخ» است و سرخی دلیل انرژی و تحرك. شاید باورهایی که در ایران کهن مردمان بر آن اعتقاد راسخ داشته اند و برخی از آن ها با افسانه ها درآمیخته, امروزه چندان مورد قبول مردم نباشد و برخی آن را از خرد گرایی به دور بدانند. امروزه بیش تر ایرانی ها از ریشه اعتقادات کهن اطلاع چندانی ندارند ولی جشن بزرگ نوروز را كما كان شبیه اجداد خود انجام می دهند و برپایی این جشن ها را وسیله ای برای حفظ هویت ایرانی خود در برابر هجوم فرهنگ های مختلف می دانند.

خرید و پوشیدن لباس های جدید و آراستگی در آغاز نوروز برای ایرانیان اهمیت خاصی دارد. از مراسم زیبا و باشكوه نوروزی كه از دوران كهن تا زمان ما باقی مانده و از پیش درآمدهای نوروز به شمار می آید, سبزهٔ نوروزی است. در تمام مناطق ایران، سبزه‌های زیبا و سبز و خرمی در ظروف خاصی پیش از عید با آداب و مراقبت بسیار آماده و در زمان تحویل سال نو، بر سر سفرهٔ نوروزی گذارده می‌شود و آن را تا روز سیزدهم فروردین، هم چنان تازه و باطراوت حفظ می‌كنند. تهیه و مصرف غذاهای مخصوص عید نوروز كه مهم ترین آن ها سبزی پلو و ماهی سفید است از دیگر آداب ورود به جشن های نوروز است. زمان جشن نوروز ۱۳ روز است و در اولین روز نوروز ایرانیان سفره ای پهن می كنند و بر آن هفت چیز که نامشان با حرف سین شروع شده باشد, می گذارند و آن را سفره هفت سین می نامند. ( سبزه : نمودارِ گل های زیبا و زینتی ، سرسبزی و خرمی, سیب : میوه ای بهشتی و نماد زایش, سمنو : از جوانه ی گندم، نمود رویش و برکت, سنجد : بوی برگ و شکوفه ی آن محرك عشق و دلباختگی است و...) برای تزیین سفره هفت سین از وسایل دیگری استفاده می شود كه هر یك فلسفه خاصی دارند. آینه و شمع برسر سفره هفت سین به نشانه نور, روشنایی و شفافیت استفاده می شود. معمولا تخم مرغ های رنگ شده با طرح های زیبا نیز برسر سفره ی هفت سین وجود دارد که نماد نطفه و باروری و زایش است. (در اساطیر آمده فلسفه وجود تخم مرغ جهان است كه تخم مرغی شکل است و آسمان چون پوسته ی تخم مرغ و زرده اش نمودگار زمین روز است.) یك جلد قرآن مجید نیز همیشه در سفره هفت سین مسلمانان وجود دارد كه گویاترین دلیل آمیختگی این عید باستانی با قوانین اسلامی است. قرآن به نشانه اطاعت از خداوند و تقدس, تبرك و روحانی كردن فضای موجود و سال نوی آغاز شده, ازواجبات سفره هفت سین ایرانی مسلمان است. ماهی قرمز كوچك نیز از واجبات سفره هفت سین ایرانیان است كه نماد سرزندگی و شادابی است.

|  |
| --- |
| **«يا مقلب القلوب و الابصار** |
| **يامدبر الليل والنهار** |
| **يا محول الحول والاحوال** |
| **حول حالنا الي احسن الحال»** |

” ردپايي نو روز دربرخي متون پارسي “

**يكي از بارزترين و زيباترين جلوه هاي طبيعت نوروز است ، كه درآفاق وسيع فرهنگ و ادب فارسي درپهنة قرنها گستراينده شده است .نوروز بزرگترين جشن ملي ايرانيان است كه ريشه دراساطير دارد ، جشني است كه با جنبش و حركت و رستاخيز طبيعت همراه است و آن آغاز سال و بهار است .**

**با مطالعة آثار گذشتگان درمي يابيم كه نوروز ريشه درفرهنگ و پيشينة ايرانيان داشته و نويسندگان و شاعران با سخنان دلنواز و شورانگيز دربارة راهها ورسمهاي نوروزي سخن به ميان آوردند . كه در بعضي از منابع چنين آمده است :**

**ابولقاسم فرودسي درشاهنامه درباره نوروز اينگونه مي نگارد :**

|  |  |
| --- | --- |
| **گرانمايه جمشيد فرزند او** | **كمر بست يكدل پراز پند او** |
| **برآمد برآن تخت فرخ پدر** | **به رسم كيان برسرش تاج زر** |
| **كمر بست با فرشاهنشاهي** | **جهان گشت سرتاسر او را رهي** |
| **زمانه برآسود از داوري** | **به فرمان اوديو و مرغ و پري** |
| **جهان را فزوده بدوآبروي** | **فروزان شده تخت شاهي بدوي …..** |
| **….. همه كردني ها چو آمد به جاي** | **زجاي مهي برتر آورد پاي** |
| **به فركياني يكي تخت ساخت** | **چه مايه بدو گوهر اندر نشاخت** |
| **كه چون خواستي ديو برداشتي** | **زهامون به گردون برافراشتي** |
| **چوخورشيد تابان ميان هوا** | **نشسته برو شاه فرمانروا** |
| **جهان انجمن شد برتخت او** | **شكفتي فرومانده از بخت او** |
| **به جمشيد برگوهر افشاندند** | **مرآن روز راه روز نو “ خواندند** |
| **سرسال نوهرمز فروردين** | **برآسوده ازرنج روي زمين** |
| **بزودگان به شادي بياراستند** | **مي و جام و رامشگران خواستند** |

**شاهنامة فردوسي ج اول چاپ مسكو صفحة 39و42**

**درباب پانزدهم از شرح بيست باب چنين آمده است :**

**«جمشيد دراطراف جهان طواف مي كرد چون به آذربايجان رسيد آن روز به تخت زرين نشست و اين تخت درموضعي بلند بود روي درمشرق ، چون آفتاب از مشرق برآمد و برتخت و تاج جمشيد افتاد ، شعاع روشن ظاهر شد و مردمان شادي كردند و گفتند امروز نوروز است …. » .**

**درنوروز نامة خيام نوروز فروردين چنين معرفي شده اند :**

**« نوروز بزرگ و نوگشتن احوال باشد ، و برپادشاهان واجب است آيين و رسم ملوك به جاي آوردن ازبهر مباركي واز بهر تاريخ را و خرمي كردن به اول سال ، هركه روز نوروز جشن كند و به خرمي پيوندد تاروز ديگر عمر درشادي و خرمي گذارد ، و اين تجربت حكما از براي پادشاهان كرده اند …. » .**

## نوروز نامه خيام ، ص 5

**ابوريحان بيروني نيز دركتاب التفهيم چنين آورده است :**

**« نوروز روز اول فروردين ماه است ….. و زين جهت نوروز نام كردند زيراك پيشاني سال نو است ……» .**

### التفهيم ص 253

همانگونه كه از محتواي سخن اين بزرگان برمي آيد نوروز شادي و طرب است ، نوروز مردم از پير تا جوان از خرد تا كلان از ثروتمند تا مستمند به شادي و شادكامي و خوشگذاراني و عشرت مي پردازند و نيز درپهنة ادب فارسي بااين مضامين روبرو هستيم :

**فرخي سيستاني دراين باره چنين مي سرايد :**

|  |  |
| --- | --- |
| **روز نوروز است امروز سرسال است** | **ساتگيني خورد از دست قدم منكن** |
| **سرسال نو هرمز فروردين** | **برآسوده از رنج روي زمين** |
| **بزرگان به شادي بياراستند** | **مي جام و رامشگران خواستند** |

**شاهنامنه فردوسي**

**ج 1 چاپ مسكو ص 42**

**منوچهري گويد :**

|  |  |
| --- | --- |
| آمد نوروز ماه ، با گل و سوري به هم | باده سوري بگير ، برگل سوري بچم |

**ديوان ص70**

**و انديشة خيام دراين باره چنين است :**

|  |  |
| --- | --- |
| **چون ابر به نوروز رخ لاله بشست** | **برخيز و به جام باده كن عزم درست** |
| **كين سبزه كه امروز تماشاگه توست** | **فردا همه از خاك توبرخواهد رست** |

**و حافظ راست :**

|  |  |
| --- | --- |
| **عيد است و آخر ، گل و ياران درانتظار** | **ساقي به روي شاه ببين ماه ومي بيار** |

**حافظ غزل ب 1 246 ص 166 (به اهتمام محمد قزويني و دكتر قاسم غني انتشارات زوار )**

#### حافظ غزل

|  |  |
| --- | --- |
| **زكوي يار مي آيد نسيم باد نوروزي** | **ازاين باد ارمد خواهي چراغ دل برافرازي …..** |
| **…. به صحرا رو كه از دامن غبار غم بيفشاني** | **به گلزار آي كز بلبل غزل گفتن بياموزي** |
| **مي اندر مجلس آصف به نوروز جلالي نوش** | **كه بخشد جرعة جامش جهان راساز نوروزي** |

**حافظ غزل 454**

#### ص 318-317

**سلمان ساوجي مي گويد :**

|  |  |
| --- | --- |
| **عيدست برخيز اي صنم پيش آراز صبحدم** |  |
|  | **دربزم جمشيدي زمان جام اندر جام جم .** |

**ديوان ص 175**

و نظامي درشرفنامه چنين مي سرايد :

|  |  |
| --- | --- |
| **به نوروز بنشست و مي نوش كرد** | **سرود سرايندگان گوش كرد** |
| **نبودي زشه دور تا وقت خواب** | **مغني و ساقي و رود شراب** |

**شرفنامه نظامي – ص 141**

**اعتدال ربيعي ؛ (Equionoxe) : اول بهاركه آفتاب از آخر برج حوت به اول برج حمل تحويل مي كند و شب و روز با هم برابر است ؛ خاقاني شرواني گويد :**

|  |  |
| --- | --- |
| يعني كه قرص خورشيد درحمل شد | كرد اعتدال برروي بيت الشرف مقرر |

ديوان ص189

**درنوروز نامه خيام نيز چنين آمده است :**

و فروردين به زبان پهلوي است ، معنيش چنان باشد كه اين آن ماهست كه آغاز رستن نبات دروي است و اين ماه مربرج حمل راست كه سرتاسر آفتاب براين برج باشد » .

نوروز نامه خيام ص 5

لازم به ذكر است كه اعتدال شب و روز و برابري آنها دراول بهار و سپس بلند شدن روز و كوتاهي شب درايام پس از نوروز و همچنين بهار كه فصل رستاخيز طبيعت و رشد نمو است درارتباط با اساطير ايران مي تواند نما در سنبل عدل و مساوات و دادگستري باشد كه جمشيد درميان ملت خود رواج داد و نور عدالت و دادگستري و نيكي را بر ظلمت ستم و نابرابري ها چيره ساخت .

**بازتاب اين مفهوم كه بهار همواره با عدل همراه است در اشعار شاعران پارسي گوي نمايان است :**

**خاقاني مي گويد :**

|  |  |
| --- | --- |
| عدل او چون فضل و فضلش چون ربيع | **اين خطا بخشش آن خطاي بخشاي باد** |

**ص 517 خاقاني**

و مولوي گويد :

|  |  |
| --- | --- |
| **براميد داد و ايثار بهار** | **مهرهاي كارودر ايثار باش** |

**ديوان مولانا ج 1 ص 492**

|  |  |
| --- | --- |
| من دانة افلاكم ، يك چند دراين خاكم | **چون عدل بهار آمد سرسبز شود دانه** |

**ديوان شمس ج 2 ص 867**

و سلمان ساوجي مي سرايد :

|  |  |
| --- | --- |
| **اي كريمي كه به دوران بهار عدالت** | **درهمه روي زمين باد خلافي نوزيد** |

**سلمان ساوجي ص 195**

ايرانيان باستان آغز سال را با اعتدال ربيعي يعني عبور خورشيد از برج حوت به حمل كه برابر با تحويل سال است جشن گرفته اند و آن را مقدس مي دانستند و تقدس آن به آن سبب بوده است كه در هرمز ( روز اول هر ماه ) ماه دعاهاي ويژه اي خوانده مي شد كخه چوندر ماه فروردين با آغاز سال مصادف بوده است اين روز با شادي و قرباني نيز همراه و اعمال مذهبي ويژهاي را پذيرفته است ، و رابطه خاصي بين عيد قربان و عيد نوروز درامر قرباني پديدار گشته است :

مولوي مي فرمايد:

|  |  |
| --- | --- |
| گردر غم و در رنجم و در پوست نمي گنجم | كز بهر چو توعيدي قربانم وقرباني |

ديوان شمس ج2/ص 957

و ملا محسن فيض كاشاني گويد :

|  |  |
| --- | --- |
| عيد قربان من آن دم كه فداي تو شوم | عيد نوروز عيد نوروز چو آيي به مباركبادم |

ديوان فيض ص265

و سعدي مي فرمايد:

|  |  |
| --- | --- |
| روزي تن من بيني قربان سر كويش | وين عيد نمي باشد الا به هر ايامي |

ص 779

|  |  |
| --- | --- |
| تير مژگان وكمان ابرويش | عاشقان را عيد قربان مي كنند |

ص 824

اگر در متون قديم پارسي كاوش كنيم در مي يابيم كه در فرهنگ باستاني ايراني دو نوروز نامگذاري شده است ، ابوريحانبيروني در كتاب التفهيم چنين مي نگارد : (( نوروز روز اول فروردين ماه است و آن را نوروز عامه گويند وزين جهت نوروز نام كردند زيرا ك پيساني سال نو است و آنجه از پس اوست از اين پنج روز همه جشن هاست و ششم فروردين ماه نوروز بزرگ است ... التفهيم ص 253

1. نوروز كوچك (عامه ) : روز اول قفروردين است كه مردم در آن به جشن و سرور پرداخته كه مخصوص شادي و سرور پادشاهان همراه با عامه مردم است .
2. نوروز بزرگ : (خاصه ) : روز ششم فروردين است كه جشن اين روز مخصوصدر باريان و اشراف بوده است : ابوريحان در كتاب آثار الباقيه اين روزرا جشن معرفي كرده استروز ششم اين ماه ، نوروز بزرگ است كه نزد ايرانيان عيد بزرگي است و گويند كه خداوند در اين روز آفرينش جهان آسوده است : زيرا اين روز آخر روز هاي ششگانه است . زردشتيان مي گويند كه دراين روز زردشت توفيق يافته كه با خداوند به مناجات بپردتزد و كيخسرو بر هوا در اين روز عروج كند و دراين روز براي ساكنان كره زمين سعادت را قسمت مي كند.)) آثار الباقيه ص282

در كتاب التفيهم نوروز بزرگ چنين معرفي شده :

ششم فروردين ماه نوروز بزرگ كه خسروان بدان پنج روز حق هاي حشم و گروها نبگذارد ندي و حاجتها روا كردندي آنگاه بدين روز ششم خلوت كردندي خاصگان را ...

التفيهم ص 253

مير جمال الدين حسين بن فخر الدين حسن انجومي شيرازي در فرهنگ جهانگيري نوروز بزرگ و كوچك را چنين آورده :

((غره فروردين ماه بود و رسيدن نيز اعظم است به برج بره و ابتداي فصل بهار و آن را نوروز كوچك نامند و توروز عامه ونوروز صغير .در تسميه اين روز به نوروز دو وجه به نظر آمده :وجه اول آن است كه حق سبحانه تعالي عالم وآدم را دراين روز آفريد و امر كرد كواكب را به رسيدن از اول برج بره : و دوم وجه آنكه جمشيد او را جم نام بود و عربها او را متوشلخ گفتندي در جهان سير مي كرد و چون به آذربايجان رسيد تخت زرين مكللبه انواع جواهر بر بلدي كه رو به مشرق بود نصب فرمود و تاج مرصعي بر سر نهاد ه بر زبر آ ن تخت بنشست ، چون نير اعظم از دريچه مشرق طلوع كرد بر آن تاج وتخت شعاعي در غايت روشني پديد آمد ، مردمان از ديدن آن شاد شدند و گفتند كه اين روز تواست .

و چون به لفظ دري و پهلوي شعاع را ه شيد ، مي گويند اين كلمه را برهم افزوده واوز جمشيد خواندند و جشن عظيم كردند و دوم را كه روز خرداد ( ششم ) فروردين ماه باشد نوروز بزرگ نام است و نوروز خاصه نيز گفته اند ضميمه اين روز را به نامهاي مذكوره وجه اين است كه : جمشيد در اين روز ديگر باره بر تخت بنشست و خاص و عام را بار داد و رسم نيكونها و روي به خلق كرده و گفت كه ايزد تعالي شما را بيامرزد بايد كه به آب پاكيزه غسل كنيد و به شكر ايزد بپردازيد.. ..))

**در اين جا نكته اي قابل تامل است و آن اين است كه چگونه نوروز بر دوگونه تقسيم شده و آيا از ابتدا اين تقسيم بندي وجود داشته يا خير ، بايد اذعان داشت كه نوروز در زمان جمشيد طبق متن شاهنامه روز اول فروردين و به صورت يگانه بوده است . طبق متن نوروزنامه خيام كيومرث سال را به دوازده قسمت تقسيم كرد و(( گبيومرث سال را به دوازده بخش تقسيم كرد و ابتدا تاريخ پديد كرد و پس از آن چهل سال بزيست ، چون از دنيا برفت هوشنگ به جاي او نشست و نهصد و هفتاد سال پادشا مي كرد ...**

**پس از او طهمورث بنشست و سي سال پادشامي كرد ... پس از او پادشاهي به جمشيد رسيد و از اين تاريخ هزارو چهل سال گذشته بود ، و آفتاب اول روز به فروردين تحويل كرد و به برج نهم آ‚د ، چون از ملك جمشيد چهارصد و بيست ويك سال گذشت اين دوره تمام شده بود ، و آفنتاب فروردين خويش به اول حمل باز آمد و جهان بر روي راست گشت پس در اين روز كه ياد كرديم جشن ساخت و آن روز نو دانند ...و جمشيد در اول پادشاهي سخت عادل وخدا ترس بود ...و ايزد تعالي او را نر ي و عقلي داده بود ...امامني در خويش آورد ...بيور اسب كه او را ضحاك خواستند از گذشتهاي در آمد و او را بتاخت ...بيور اسب به پادشاهي نشست ...هزار سال پادشا مي كرد ...و مردمان را رنج مي نمود تا افريدون از هندوستان بيامد و او را بكشت و به پادشاهي نشست چون آفتاب به فروردين خويش رسيد آن روز آفريدون به نو جشن كرد و از همه مردم جهان گرد آورد و عهدنامه نشست ...و ملك بر پسران تقسيم كرد ...و چون روزگار او بگذشت آن ديگر پادشان كه بعد از او بودند تا به روز گار گشتاسب ،از پادشاهي گشتاسب سي سال بگذشت وردشت بيرون آمد و اين ديگري آورد . و گشتاسب دين اور ابپذيرفت و از گاه جشن افريدون تا اين وقت 940 سال گذشته بود گشتاسب بفرمود تا كبيسه كردند و فروردين آن روز لآفتاب به اول سرطان گرفت و جشن كرد و گفت اين روز را نوروز كنيد ...تا آن مدت كبيسه نكرده بودند و مردمان هم بر آن مي رفتند تا به روزگار اردشير پابكان كه او كبيسه كرد و جشن بزرگ داشت و عهد نامه بنوشت و آن روز را نوروز بخواند تا به روزگار انو شيروان عادل ، چون ايوان مداين تمام گشت نوروز كرد ...اما كبيسه نكر دكه آفتاب به اول سر طان آيد ...تابه روزگار مامون خليفه او بفرمود تار صد بكردند و هر سالي كه آفتاب به حمل آمد نوروز فرمود كردن تا به روزگار المتوكل علي الله وزيري داشت به نام محمد بن عبد الملك او را گفت افتتاح خراج در وقتي باشد كه مال در آن وقت از غله دور باشد و مردمان را رنج مي رسد و آيين ملوك عجم چنان بوده است كه كبيسه كردند تا سال به جاي خويش باز آيد ...))**

**همانگونهكه از نوروز نامه خيام و كهن ترين گاه شماره هاي ايراني بر مي آيد : سال دوازده ماه دارد و هر ماه سي روز دارد و در مجموع 360روز تا زمان پادشاهي گشتاسب كه وي 5روز به سال اضافه كرد و آن را 365 روز خواند كه هماهنگي ميان تقويم و طبيعت برقرار شود ، اردشير بابكان نيز در هنگام حكومت خود اين وجه را رعايت كرد تا زمان انوشيروان كه او با تغيير و افزايش روزهاي سال موافقت نكرده و مبناي سال را 360 روز قرار داد و اين زماني بود كه ساخت ايوان مداين تمام شده بود و خورشيد در برج سرطان (تير به سر مي برد و نوروز برابر با اول بهار نمي شد . تا در روزگار مامون كه او نيز دستور داد 5 روز بر سال افزوده شود تا نوروز همواره در اول بهار واقع شود و متوكل علي الله نيز اين رسم را ادامه داده و تا امروز چنين باقي مانده است .**

**لازم به ذكر است كه اين تغيير و تحول در امر افزايش 5 روز به هر سال و يا عدم آ“ ايجاد اختلافاتي در ميان عامه مردم مي كرده بدين سبب كساني كه موافق تغيير تقويمبودند در برابر عده اي قرار گرفتند كه مخالف اين كار شدند و به همين علت مخالفان روز اول فروردين را جشن مي گرفتند و نوروز كوچك خوانده مي شد و موافقان طبق برابر با دستور عمومي در روز ششم فروردين ماه نوروز را جشن مي نشستند كه نوروز بزرگ نام گرفت ، اين اختلاف كه نوروز در اصل يك روز بوده و سپس در دو تاريخ متفاوت جشن گرفته مي شده باعث شد كه تدبيري نو انديشيده شود و بدين گونه شد كه هرمز نوه انوشيروان نوروز كوچك وبزرگ را به هم اتصال دهد و نوروز را از اول فرورزدين تا ششم جشن گيرند .**

**اكنون اين جشن در ميان ايرانيان مرسوم است و اميد است كه نوروز هر سال براي تمامي هموطنان ايراني همراه با شادكامي وسرور باشد .**